

فوکو در ۹۰ دقیقه

پل استراتون

ترجمه‌ی

فرزین هومانفر



انتشارات نیلوفر

سرشناسه	: استراتون، پل، ۱۹۴۰ - م - Strathern, Paul
عنوان و نام پدیدآور	: فوکو در ۹۰ دقیقه / پل استراتون؛ ترجمه‌ی فرزین هومانفر.
مشخصات نشر	: تهران، نیلوفر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص.
شابک	: 978-964-448-460-5
وضعیت فهرستنویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: Foucault in 90 minutes, 2000
موضوع	: فوکو، مینل، ۱۹۲۶-۱۹۸۴ م
شناسه افزوده	: هومانفر، فرزین، ۱۳۵۰ - مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ الف ۹۴ ف / B ۲۴۳۰
رده‌بندی دیویی	: ۱۹۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۲۴۱۵۸



انتشارات پیرهم خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

پل استراتون

فوکو در ۹۰ دقیقه

ترجمه‌ی فرزین هومانفر

حروفچینی: شبتری

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۹

چاپ دیبا

شمارگان: ۱۶۵۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۸-۴۶۰-۵

۲۰۰۰ تومان

فهرست

۷	 کاربرد نشانه‌ها در متن فارسی
۹	 پیش‌گفتار
۱۱	 زندگی و کارنامه‌ی فوکو
۶۱	 از فوکو و درباره‌ی فوکو
۶۷	 تقویم روی داده‌های مهم فلسفی
۷۱	 زمان‌نگارِ زندگی فوکو

کاربرد نشانه‌ها در متن فارسی

- « » آن‌چه که میان گیومه آمده، اکثراً سخنانِ فوکو و یا نام‌آوری‌ست که از او نقل قول می‌شود.
- [] جملاتی که در کروشه قرار دارد، افزوده‌های مؤلفِ کتاب است.
- () برخی مطالبی که میان پرانتز آمده، افزوده‌ی مترجمِ فارسی است، برای روشن‌تر نمودنِ زبانِ متن.

پیش‌گفتار

فوکو^۱ به مفهوم کلاسیک کلمه، فیلسوف نبود، با آن‌که در یک دوره از زندگی‌اش به خطا‌گریزهایی واپس‌گرایانه [ولو ناچیز] به آرای نوکانتی^۲ زده است. خطایی که در جبهه‌گیری او از موضع یک فیلسوف کلاسیک نیز، مکرر می‌شود. یک رأی غیرروشنفکرانه، چرا که در اصل، ویتگنشتاین^۳ بود که فلسفه را به مفهوم سنتی‌اش، به پایان راه رسانید، و مجدانه بر این قول پای فشرده، که: «از فلسفه چیزی جز فلسفیدن باقی نمانده است، بیش‌ترین پرسش‌های فلسفی، برآیند اشتباهات لفظی‌اند، که سامان بخشیدن به این پرسش و این خطا، یکسر از نظر دور مانده است، ضمن آن‌که، سؤالات هنوز مطرح نیز، پاسخ‌ناپذیر [یا بهتر بگوییم، ناپرسیدنی] است.» در این حیص و بیص، نوعی روش سنتی فلسفی، هنوز به کوشش هایدگر^۴، در اروپای بزی^۵، تداوم داشت، که بیرون از دایره‌ی نفوذ ویتگنشتاین، زمینه‌ی صرف‌ادراک و اندیشه را، آن سوی حوزه‌ی منطق، تحلیل می‌کرد. فوکو از این آیین تأثیر پذیرفته بود، تأثیری که او را

1. Foucault

2. New Kant

3. Wittgenstein

4. Heidegger

5. Continental Europe

برانگیخت، تا چگونگی سیر فلسفه را در تمامی دانش‌ها، تا رسیدن به صورت حقیقی‌شان، بشکافد. او به نمایش «حقایقی» پرداخت که در زمان اشاعه‌ی شان، به‌طور عمده مشروط به فرضیات یا ذهن زنجیره‌ی دوره‌ی خود بوده‌اند.

فوکو با کارستان خود، بیش‌تر موزه‌خانه برمی‌خورد تا فیلسوفانه، او مدارک و اسناد کلیدی هر دوره را باریک‌بینانه می‌کاوید. این روش بیش از هر چیز، آشکارکننده‌ی ساختار قدرت و دانش جامعه‌ی عصر مورد نظر بود. او به این نتیجه رسید که دانش و قدرت، چنان ارتباط تنگاتنگی دارند که در لفظ نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد و این هم‌تباری را با اصطلاح ترکیبی «قدرت / دانش»^۱ در کلام خود به ثبت رساند؛ اصلی که ستون فقرات فلسفه‌اش بود. فوکو، برای دست‌یابی به این موضع، بخش پهناوری از موضوعات حسی را زیر نظر گرفت، موضوعاتی مانند: دیوانگی^۲، جنسیت^۳، انضباط و مجازات^۴، که تاریخچه‌ی هریک از این عناوین، به‌اضافه‌ی ارتباط آن‌ها با زندگی شخصی‌اش، محور اصلی استدلال او و ساخت مایه‌ی تصویری شد، که مخاطب را با حسی‌ترین فیلسوف دوران مدرن، روبه‌رو می‌سازد.

اما این حس‌باوری^۵ چه بهره‌ای از فلسفه داشت؟

هنوز باگذشت (حدوداً) بیست سال از مرگ فوکو، واکنش‌ها نسبت به این پرسش، چندگانه است. حقیقت این است که، نزدیکی فلسفه‌ی فوکو با اکنون و مباحثاتی که پدید آورده، او را از فراموشی فلسفی (تا به امروز) در امان داشته است، اما استمرار این وضع، وابسته به نظری ما و شماست.